



# پویش نیکی و توره‌های مجازی

## گزارشی از فعالیت‌های بنیاد فردوسی مشهد به آسیب‌دیدگان کرونا



لیلا کوچک‌زاده

«به کوشش همه دست نیکی بریم»، این بیت از شاهنامه سخن‌سرای فارسی‌سال‌هاست آموزه بنیاد فردوسی مشهد است، بیتی که دکتر محمدحسین توسی‌وند از نخستین سال‌های بنیاد نهادن این مجموعه فرهنگی، آن را سرلوحه کار خود قرار داد، پزشک بدون مرزی که ۴۰ سال نه تنها در مشهد و خراسان بلکه در شهرهای دیگر ایران و حتی جهان، به کمک‌رسانی در بحبوحه بلایای طبیعی و بحران‌های مختلف پرداخت. این مجموعه پس از درگذشت بنیان‌گذارش نیز راه او را همچنان چه در زمینه فرهنگی و چه در زمینه کمک‌رسانی‌ها ادامه داد. هم‌اکنون دکتر جلال خالقی مطلق پدر علمی بنیاد است و مدیر بنیاد پروین خاکپور که در روزهای اوج بحران کرونا به کوشش دست نیکی برده‌اند. آن‌ها، کار آفرینی، خدمات درمانی و بازاریابی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

بنیاد فردوسی هم به شناسایی این افراد از طریق رابط‌های محلی در اسماعیل‌آباد، توس، قرقی، رسالت، قلعه ساختمان و ... پرداخت و بسته‌های معیشتی و بهداشتی بین آن‌ها توزیع شد. «رابطانی از محله‌های کم‌برخوردار «رابطان ما از اهالی محله‌های کم‌برخوردار هستند که به واسطه ارسال کتاب داستان‌های شاهنامه برای فرزندانمان، ارتباطشان با ما حفظ و پایدار شده است و در این

تمام اعضای بنیاد فردوسی دست خیر دارند، به ویژه خانواده مرحوم توسی‌وند که با کمک‌های مادی و معنوی همیشه در کنار بنیاد بوده‌اند. پروین خاکپور، مدیر بنیاد فردوسی مشهد، می‌گوید: «اواسط اسفند، کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان بحران کرونا را با اولویت کسانی که فریادرسی نداشتند شروع کردیم. کادر درمانی توانسته بودند صدایشان را به همه دنیا برسانند و درخواست‌هایشان را مطرح کنند. اما بسیاری از اقشار جامعه چنین توانی را نداشتند.

همه ما در زندگی شخصی‌مان دفترچه‌های ممنوعی داریم که جایی در پوشیده‌ترین پستوی ذهنمان پنهانش کرده‌ایم. برخی از ما از شدت فشاری که این حرف‌های پنهان به ذهن و روح ما می‌آورد ممکن است دست‌به‌قلم شویم و بخشی از این درونیات را در دفترچه کوچکی بنویسیم، دفتری که در همه عمر بیم‌ان را داریم که کسی پیداایش کند و از درونی‌ترین بخش‌های ذهن و دل ما با خبر شود. بسیاری مواقع هم از ترس برملا شدن این رازهای مگو، این درونیات را در هیچ دفتری نمی‌نویسیم اما باز هم در ذهنمان دفترچه‌های داریم که خواندنش برای همه آدم‌ها جز خودمان ممنوع است! فارغ از اینکه در دل کدام فرهنگ زیست می‌کنیم، شاید زن‌ها حرف‌های پنهانی بیشتری داشته باشند که افشای آن‌ها بیمناکشان می‌کند، آنچه آلبا دسس پدس، نویسنده ایتالیایی کوبایی در کتاب «دفترچه ممنوع» بخشی از آن را برای ما روایت می‌کند، بخشی که اتفاقاً به نظرمان آشنا می‌آید و گویی برگ‌هایی از این دفترچه از دفتر خاطرات شخصی ما جدا شده است. «دفترچه ممنوع» داستان زنی است میان سال که با همسر و دختر و پسر جوان خود زندگی معمولی و ساده‌ای دارد، زنی از طبقه متوسط که مجبور است در بیرون از خانه کار کند، بچه‌های خود را بزرگ کند و اکنون با معنای زندگی دست‌به‌گریبان است. بگذارد اسمش را بگذارد بحران میان‌سالگی! او را در یک یکشنبه پاییزی

### معنای زندگی در دفترچه‌های ممنوعه

نگاهی به کتاب «دفترچه ممنوع» نوشته آلبا دسس پدس

بازدیدکننده‌ها اهدا کرده است.

**+** روی لایو بنیاد برنامه‌ها و کلاس‌های فرهنگی و سخنرانی‌های بنیاد فردوسی مشهد در روزهای کرونایی همچنان دایره است اما از طریق برنامه‌های زنده اینستاگرامی. مدیرعامل کانون شاهنامه فردوسی توس در این باره می‌گوید: «کلاس‌های ما هر شب ساعت ۲۰:۳۰ به صورت زنده از صفحه اینستاگرام بنیاد فردوسی پخش می‌شود و خوشبختانه افراد بسیاری از سرتاسر کشور و حتی فارسی‌زبانان جهان توانسته‌اند از این کلاس‌ها و صحبت‌های بزرگان علم و ادب فارسی بهره‌برند». او تأکید می‌کند که بازرگشایی این مجموعه فرهنگی به بازگشایی مدارس وابسته خواهد بود. خاکپور درباره ۲۵ اردیبهشت امسال و برنامه بزرگداشت فردوسی که هفته گذشته برگزار شد نیز می‌گوید: «تمام هزینه‌های برنامه بزرگداشت فردوسی، در ادامه پویش نیکی، صرف و هزینه شد اما برنامه‌های مجازی ما در این روز، به صورت زنده از اینستاگرام و در قالب تور مجازی برگزار شد.»

**+** سم‌زدایی روستای پاژ خاکپور از سم‌زدایی روستای پاژ، خانه شاعر سخن‌سرای پارسی، می‌گوید: «دسترسی بسیاری از روستاییان به اقلام بهداشتی و ضدعفونی ناچیز بود و ما با ورود به این روستاها، هم به سم‌زدایی پرداختیم و هم بین اهالی ماسک توزیع کردیم و به اطلاع‌رسانی پرداختیم.» او همچنین یادآوری می‌کند که بنیاد فردوسی تاکنون صدها ماسک نیز به مجموعه آرامگاه فردوسی و برای استفاده کارمندان این مکان و

معمولی شبیه همه یکشنبه‌ها تصمیم می‌گیرد به بیرون برود و برای همسرش، میشل، سیگار بخرد اما در این خرید چیزی او را به خریدن یک دفترچه کوچک ترغیب می‌کند، دفترچه‌ای که در ساعات پایانی شب وقتی همه اعضای خانواده خواب‌اند شبیه یک روان‌کاو عمل می‌کند و قصه‌های پنهان ذهن او را برای خودش آشکار می‌کند، قصه‌هایی گاهی بسیار غم‌انگیز، گاهی سخت‌ترسناک و گاهی به طرز رقت‌انگیزی عاشقانه! او را هر روز و هر روز در اعتیاد نوشتن اسیر می‌شود و همواره با یک ترس کشنده دست و پنجه نرم می‌کند، ترس از اینکه میشل یا یکی از فرزندانش دفترچه ممنوع او را پیدا کنند و چیزی در این همسر راضی و مادر مهربان ببینند که برایشان تکان دهنده و ترسناک باشد. بارها تصمیم می‌گیرد این دفترچه را از بین ببرد اما چیزی در درونش او را از این کار منع می‌کند. او را مدت‌های طولانی به این نوشتن دیوانه‌وار ادامه می‌دهد و شما در صفحات متعدد این کتاب تنها کسی هستید که دفترچه ممنوع او را می‌خوانید. بعد از خواندن کتاب شاید به این فکر بیفتید که برای خودتان یک دفترچه تهیه کنید و حال و روز او را تجربه کنید. شاید هم ممنوعی ندارید که نگران‌ش باشید احساس آرامش کنید اما نمی‌توانید انکار کنید که این داستان باعث شده است به حرف‌هایی فکر کنید

**+** بیماران و معلولان در اولویت اما افرادی همچون دیالیزی‌ها، بیماران سرطانی و معلولانی که از نظر مالی در مضیقه بودند در اولویت کمک‌رسانی بنیاد فردوسی قرار گرفتند، چه کمک‌های معیشتی چه خدمات درمانی. به گفته خاکپور، تاکنون ۱۰۰۰ بسته اقلام غذایی و بهداشتی به دست آن‌ها رسیده است، بسته‌هایی شامل برنج، روغن، خرما، چای،

معمولی شبیه همه یکشنبه‌ها تصمیم می‌گیرد به بیرون برود و برای همسرش، میشل، سیگار بخرد اما در این خرید چیزی او را به خریدن یک دفترچه کوچک ترغیب می‌کند، دفترچه‌ای که در ساعات پایانی شب وقتی همه اعضای خانواده خواب‌اند شبیه یک روان‌کاو عمل می‌کند و قصه‌های پنهان ذهن او را برای خودش آشکار می‌کند، قصه‌هایی گاهی بسیار غم‌انگیز، گاهی سخت‌ترسناک و گاهی به طرز رقت‌انگیزی عاشقانه! او را هر روز و هر روز در اعتیاد نوشتن اسیر می‌شود و همواره با یک ترس کشنده دست و پنجه نرم می‌کند، ترس از اینکه میشل یا یکی از فرزندانش دفترچه ممنوع او را پیدا کنند و چیزی در این همسر راضی و مادر مهربان ببینند که برایشان تکان دهنده و ترسناک باشد. بارها تصمیم می‌گیرد این دفترچه را از بین ببرد اما چیزی در درونش او را از این کار منع می‌کند. او را مدت‌های طولانی به این نوشتن دیوانه‌وار ادامه می‌دهد و شما در صفحات متعدد این کتاب تنها کسی هستید که دفترچه ممنوع او را می‌خوانید. بعد از خواندن کتاب شاید به این فکر بیفتید که برای خودتان یک دفترچه تهیه کنید و حال و روز او را تجربه کنید. شاید هم ممنوعی ندارید که نگران‌ش باشید احساس آرامش کنید اما نمی‌توانید انکار کنید که این داستان باعث شده است به حرف‌هایی فکر کنید

دفترچه ممنوعه نویسنده آلبا دسس پدس ترجمه: بهمن فراهی انتشارات علمی و فرهنگی

### ایراندخت



### زنان خراسان میراث‌داران میراث ناملموس

میراث فرهنگی ناملموس یا میراث معنوی بخشی از دستاوردهای تمدنی بشر محسوب می‌شود که طی قرون متمادی از طریق پیشینیان به نسل‌های فعلی منتقل شده است. به عبارتی، میراث فرهنگی تنها شامل بناها و اشیای تاریخی نمی‌شود بلکه آداب و رسوم، اصطلاحات، زبان‌ها، گویش‌ها، بازی‌ها، موسیقی، ادبیات شفاهی، هنرهای اجرایی، مراسم، جشن‌ها، دانش و مهارت‌ها و بسیاری موارد دیگر را نیز شامل می‌شود. این موارد اگرچه قابل لمس و شاید قابل مشاهده نباشند و وجود خارجی هم نداشته باشند، بخش بسیار مهمی از میراث فرهنگی را شامل می‌شوند. اصولاً فرهنگ شفاهی که از طریق پیشینیان سینه‌به‌سینه منتقل شده، دستاورد مهم بشر که جنبه‌هایی از تمدن و هویت در آن جریان دارد شناخته می‌شود.

مشارکت‌های فرهنگی زنان در حوزه میراث ناملموس حاکی از آن است که تداوم و انتقال این جنبه از دستاوردها نزد آن‌ها از اهمیت و اعتبار درخور توجهی برخوردار است. بررسی‌های مردم‌شناسی نشان می‌دهد زنان در گذر زمان در حفظ و انتقال میراث ناملموس نقش مهمی ایفا کرده‌اند و در واقع، میراث‌داران میراث فرهنگی ناملموس به شمار می‌آیند. از جوامع ابتدایی گرفته تا جوامع مترقی یا

در حوزه جغرافیا مهم از شهری و روستایی. چرا زنان نقش مهمی در میراث فرهنگی ناملموس دارند؟ اکنون بیشتر دستاوردهای ناملموس حکایت از آن دارد که زنان با تأمل این مفاهیم را منتقل کرده‌اند. زنان در جوامع روستایی بیشترین نقش را در حفظ و احیای میراث فرهنگی ناملموس دارند زیرا بخش عمده‌ای از این موارث حاصل مشارکت‌های فردی و گروهی آنان بوده است. بررسی میراث فرهنگی ناملموس در خراسان به خصوص مناطق شمال خراسان نشان می‌دهد. فعالیت بانوان خراسان در حوزه حفظ میراث ناملموس را می‌توان در چند مرحله بررسی کرد: تولید، اشتغال، آیین‌های مذهبی و آیین‌های فرهنگی، آداب و رسوم، بازی‌های محلی، فرهنگ عامیانه، شعرها و جشن‌ها و ...

بازی‌های محلی کردهای کرمانج، شیوه دامداری، پوشاک زنان کرد کرمانج، لالایی‌های کردی کرمانجی خراسان و ترانه‌های کودکان کرمانجی خراسان از مهم‌ترین مواردی هستند که توسط زنان شمال خراسان به بهترین نحو حفظ و احیا شده‌اند.

در حوزه محصولات دامی نیز نقش و مهارت زنان درخور تأمل است زیرا در جامعه روستایی، بانوان اغلب در تهیه محصولات دامی و فنون آن بیشترین نقش را دارند. جاجیم‌بافی، سوزن‌دوزی و مهارت دوخت‌دوز لباس کردی نمونه‌هایی از میراث ناملموس زنان شمال خراسان محسوب می‌شوند. این دستاوردهای طی قرون متمادی از طریق مادران به دختران آموزش داده شده است و هم‌چنان این هنرها روبه‌تکامل‌اند. چنین به نظر می‌رسد در دنیای معاصر به لحاظ صنعتی شدن جوامع و تغییر سبک زندگی، بسیاری از جنبه‌های میراث ناملموس در معرض خطر و اضمحلال قرار دارند. بنابراین در این شرایط، ثبت و احیای این میراث می‌تواند زمینه مناسبی برای انتقال آن به نسل‌های آینده تلقی شود. ●

ما به فکر زنان سرپرست خانوار نیازمندیم بودیم و با توجه به بازار خوب دوخت ماسک و کاور در این روزها، برایشان کارآفرینی کردیم بدین صورت که چرخ خیاطی دستشان رساندیم و برای آن‌ها سفارش دوخت ماسک و کاور گرفتیم



**+** دستاوردهای کرنا خاکپور در پایان صحبت‌هایش این را یادآوری می‌کند که کمک‌رسانی‌ها و حمایت‌های بنیاد فردوسی به افراد نیازمند، مربوط به یک یا دو سال گذشته نیست، چنان‌که سال گذشته نیز تمام هزینه‌های برنامه بزرگداشت فردوسی، صرف خرج سیل زدگان آق قلا و سیستان و بلوچستان شد. ●

(۴)



### شهربانو

### کمترین نرخ بیکاری زنان مربوط به خراسان رضوی است

طاهره طهماسبی، مدیرکل دفتر زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی



زنان در استان‌های خراسان رضوی، یزد و خراسان شمالی به ترتیب با ۲۹/۴ و ۲۳/۸ و ۲۳/۵ درصد بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی را در بین استان‌های کشور در پاییز سال گذشته داشتند.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹  
۲۴ رمضان ۱۴۴۱ شماره ۳۹۹

دیگر آن شهرت را که من همه وقتم را صرف خانواده می‌کنم از دست بدهم چون اگر بگویم استراحت کرده‌ام، اطرافیانم دیگر ساعات بی‌انتهایی را که صرف کار اداره یا آشپزخانه، خرید منزل و دوخت‌ودوز می‌کنم فراموش می‌کنند و فقط چند لحظه‌ای را که برای کتاب‌خواندن یا گردش کردن به خودم تخصیص داده‌ام به خاطر می‌سپارند. ●